

تحلیل کیفیت ترجمه ادبی با رویکرد نقش‌گرای ارزیابی ترجمه مطالعه موردی ترجمه‌های فارسی رمان "فرنی و زویی" اثر

جی. دی. سلینجر

بدری‌السادات سیدجلالی^{۱*}، شهرام مدرس خیابانی^۲، سید محمد کریمی بهبهانی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه الزهرا

۲. استادیار گروه تحصیلات تکمیلی آموزش زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۳. استادیار گروه تحصیلات تکمیلی زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده

ارزیابی کیفیت ترجمه متون ادبی بر پایه نقش‌زبانی، یکی از موضوع‌های موردتوجه در مطالعات ترجمه است. یکی از مطرح‌ترین الگوهای ارائه‌شده در این زمینه، الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوس (۱۹۹۷) است که بر نظریه نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی استوار است. به باور هاوس دو نوع ترجمه وجود دارد: آشکار و پنهان. حاصل ترجمه آشکار، بر خلاف ترجمه پنهان که رنگ و بوی بومی به خود گرفته است، متنی با عناصر بیگانه و ناآشنای فرهنگی است که رد پای مترجم در آن کاملاً مشاهده می‌شود. هاوس ترجمه آشکار را برای متون فرهنگ-محور و به ویژه متون ادبی پیشنهاد می‌کند. پژوهش حاضر می‌کوشد تا با بررسی نقش متون مبدأ و مقصد، و همچنین بررسی تنوع و تکرار خطاهای آشکار، چگونگی بازتولید نقش متن ادبی و نیز آشکار و پنهان بودن ترجمه ادبی را با توجه به عناصر موثر واکاوی نماید. به این منظور، مقاله حاضر بر مبنای روشی تحلیلی-توصیفی، کیفیت دو ترجمه فارسی موجود از رمان *فرنی و زویی* اثر جروم دیوید سلینجر را ارزیابی می‌نماید. در فرآیند بررسی، بخش‌هایی از پیکره با ترجمه‌های میلاد زکریا و امید نیکفرجام مقابله و بررسی شد. یافته‌های پژوهش در قالب خطاهای آشکار و پنهان ارائه و تحلیل شد. نتیجه بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد عمده هر دو مترجم نزدیک کردن متن مبدأ به خواستگاه‌ها و چارچوب ذهنی مخاطب ترجمه است. هرچند ترجمه زکریا نسبت به ترجمه نیکفرجام ترجمه آشکارتری است و توجه بیشتری روی بازتولید «نقش اندیشگانی» متن مبدأ داشته است.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی کیفیت ترجمه، نقش‌گرای، جولیان هاوس، فرنی و زویی.



۱. مقدمه

بحث درباره کیفیت ترجمه، همواره در گرو شفاف‌سازی هدف فرآیند ترجمه است. در میان چارچوب‌های نظری که برای ارزیابی کیفیت ترجمه مطرح می‌شود، رویکرد نقش‌گرا از اهمیتی خاص برخوردار است. این رویکرد در مطالعات ترجمه حاصل آن دسته از پژوهش‌هاست که مدعی است هدف (نقش) متن مبدأ مهم‌ترین معیار در ارزیابی هر ترجمه است و اصلی‌ترین رسالت مترجم حفظ این هدف در ساختار زبان مقصد است. نخستین گام‌های این سری از پژوهش‌ها با تحقیقات ورمیر^۱ و پیدایش نظریه هدفمندی ترجمه^۲ آغاز شد (ریب و ورمیر، ۱۹۹۱، به نقل از شفنز^۳، ۱۹۹۷: ۱). اما در جهت افزایش عینیت در ارزیابی کیفیت، هاوس (۱۹۹۷) بر اساس نظریه نظام‌مند نقش‌گرای^۴ هلیدی^۵ مدلی برای ارزیابی کیفیت ترجمه^۶ مطرح می‌کند که "تا حد قابل قبولی جنبه‌های معنوی، موقعیتی و فرهنگی را نیز در نظر می‌گیرد" (شفنز، ۱۹۹۷: ۴). مدل نقش‌گرای هاوس با تأثیر از "اندیشه‌های مکتب پراگ، نظریه کنش کلام، کاربردشناسی، تحلیل گفتمان و تفاوت‌های پیکره‌بنیاد زبان گفتاری و نوشتاری" (هاوس، ۲۰۰۱: b247) شاخص‌های عینی‌تری برای توصیف پروفایل متن مبدأ و متن ترجمه، و مقایسه هم‌زمان آنها برای ارزیابی کیفیت ترجمه ارائه می‌دهد. در مدل تحلیلی هاوس، این مقایسه با کمک پروفایل‌های متن مبدأ و مقصد - بر پایه تبیین مولفه‌های سیاق^۷ (گستره^۸، عامل^۹ و شیوه^{۱۰}) و ژانر^{۱۱} - صورت می‌گیرد. جولیان هاوس، ذیل تعریف الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه، دو نوع ترجمه را برمی‌شمارد: ترجمه آشکار و ترجمه پنهان. در ترجمه آشکار مترجم، که رسالت خود را حفظ معادل نقشی متن اصلی می‌داند، آگاهانه طوری دست به انتخاب معادل‌های زبانی می‌زند که مخاطب ترجمه به سادگی بیگانه‌بودن متن و عناصر آن را درک کند. حال آنکه در ترجمه پنهان، متن ترجمه در چارچوب‌های معمول و رایج زبان و فرهنگ متن مقصد تولید می‌شود و دیگر رنگ بیگانگی برای مخاطبش ندارد. هاوس برای انتخاب صحیح یکی از دو روش فوق به نقش و کارکرد آنها اشاره می‌کند، و تأکید دارد که برای متون فرهنگ-محور، به ویژه متون ادبی، باید شیوه ترجمه آشکار را اتخاذ نمود تا متن ترجمه بتواند جایگاه مستقلی در ادبیات زبان مقصد داشته باشد.

در پژوهش حاضر، الگوی نقش‌گرای هاوس برای تحلیل ترجمه‌های رمان فرنی و زویی به عنوان پیکره مورد مطالعه به کار گرفته می‌شود. بررسی شیوه اتخاذ شده در ترجمه یک متن ادبی، که در اینجا رمانی از سلینجر است، و همچنین چرایی اتخاذ این شیوه مسئله اصلی پژوهش حاضر می‌باشد. به عبارت دیگر، پرسش اساسی در این مقاله این است که مترجم‌های این اثر ادبی تا چه اندازه در انتخاب راهکارهای ترجمه‌ای خود به نقش مورد نظر نویسنده در زبان مبدا قائل بوده اند و تا چه اندازه رفتار ترجمه‌ای آنها با الگوی نظری نقش‌گرای ارائه شده توسط جولیان هاوس هماهنگی دارد. به نظر می‌رسد که مترجم‌ها عموماً در مواجهه با متون ادبی برخورد‌های مشابهی نداشته و متون ترجمه شده ویژگی‌های نقشی متفاوت و بعضاً مستقل از متن مبدا از خود بروز می‌دهند. برای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، دو نامه از کتاب فرنی و زویی انتخاب و با برگردان‌های فارسی آن مقایسه می‌شود. بنا بر چارچوب نظری هاوس، دو نوع خطای آشکار و پنهان و علل بروز آنها مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. با بکارگیری الگوی هاوس، تعریف خطاهای پنهان با تکیه بر تعریف پروفایل‌های متن مبدا و متن ترجمه و مقایسه آنها صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر علل بروز خطاهای آشکار نیز بر اساس طبقه‌بندی پنج‌گانه پیشنهادی در چارچوب نظری، بررسی و بسامد بروز خطاها شمارش و مقایسه خواهد شد تا عملکرد مترجم‌های اثر در انتخاب «معادل‌های نقشی» واکاوی شود.

بر این اساس پژوهش حاضر در شش بخش ارائه شده است. در بخش اول که مقدمه حاضر است به تصویر مسئله پژوهش، طرح پرسش، فرضیه اولیه پژوهشگران و نهایتاً روش انجام تحقیق پرداخته شده است. در بخش دوم، پیشینه پژوهش مرور شده و نوآوری و تمایز پژوهش حاضر با مطالعات پیشین مطرح می‌شود. بخش سوم مربوط به چارچوب نظری پژوهش است که ذیل آن ابتدا نظریه نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی و تأثیر آن بر دیدگاه‌های جولیان هاوس مرور شده، سپس الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوس مطرح می‌شود. در بخش چهارم شیوه پژوهش به صورت گام به گام ارائه می‌شود. بررسی یافته‌های این تحقیق همراه با ارائه شواهد متنی در بخش پنجم آورده می‌شوند. در بخش پایانی نیز حاصل این پژوهش، که نتیجه ارزیابی کیفیت دو ترجمه فارسی رمان فرنی و زویی است، ارائه می‌شود.



۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که با محوریت بکارگیری مدل‌های نظری برای نقد و ارزیابی عملی ترجمه در ایران صورت گرفته باشند، سابقه چندانی ندارند و اغلب مطالعات صورت‌گرفته در حیطه مطالعات نظری و بررسی الگوها و مدل‌های نقد و ارزیابی ترجمه بوده‌اند. در این میان شماری از تحقیقات موفق شدند وارد حوزه‌های عینی‌تر و کاربردی‌تر این حوزه شوند که مهمترین آنها در این بخش برشمرده می‌شوند:

الف) متقی‌زاده و نقی‌زاده (۱۳۹۵) بر آن هستند تا با استفاده از الگوی ارزیابی هاوس نحوه تغییرات ایدئولوژیکی و گفتمانی را در فرآیند ترجمه عربی به فارسی بررسی نمایند. در این مقاله که هدف اصلی آن مطالعه امکان تغییر نقش متن با عنایت به ابزارهای تحلیل گفتمان است، پروفایل‌های متن اصلی یک خبر از شبکه الجزیره و متن ترجمه آن مقایسه شده‌اند. یافته‌های ایشان حاکی از آن است که علی‌رغم حفظ ژانر، نقش متن به دلیل جنبه‌های ایدئولوژیکی دستخوش تغییر شده است.

ب) امامی (۱۳۸۵) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با تکیه بر چارچوب نظری زبان‌شناسی نقش‌گرایی هلیدی و بکارگیری الگوی هاوس، پژوهشی تحت عنوان بررسی امکان ارزیابی متون ترجمه شده بر پایه یک نظریه تحلیل گفتمان به انجام رسانده است. تمرکز اصلی وی در سنجش کیفیت ترجمه مطالعه دو فرانقش میان‌فردی و متنی است. نویسنده سه ترجمه فارسی و سه ترجمه انگلیسی از داستان شازده کوچولو را ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیده که رعایت مؤلفه‌های گفتمانی در فرانقش‌های میان‌فردی و متنی، کیفیت ترجمه را افزایش می‌دهد.

ج) خان‌جان (۱۳۷۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «مقایسه متنی پیرمرد و دریا اثر ارنست همینگوی با ترجمه فارسی نجف دریابندری: رهیافتی در تحلیل کلام» در دانشگاه اصفهان، به توصیف گفتمانی متن انگلیسی رمان پیرمرد و دریا و ترجمه فارسی آن بر مبنای دستور نظام-مند نقش‌گرایی هلیدی می‌پردازد. پرسش اصلی این پژوهش این است که آیا از نظر برقراری تعادل کارکردی بین مثلث نویسنده_متن انگلیسی_خواننده انگلیسی زبان و مثلث نویسنده_ترجمه فارسی_خواننده فارسی زبان، در هر دو سطح خرد و کلان موازنه برقرار شده است یا خیر؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مترجم در مسیر دست‌یابی به تعادل کارکردی

به طور متناوب از راهبردهای حفظ و یا تعدیل متون مبدأ و مقصد بهره گرفته است. اما در بعضی موارد،

راهبردهای اتخاذ شده از سوی مترجم به تغییر کارکردی منجر شده است. با وجود این، موارد

تخطی از تعادل کارکردی به تغییر نقش متنی متون حاضر در سطح کلان منتهی نمی شود، بخصوص از این جهت که مترجم پیشاپیش از طریق مقدمه‌ای طولانی خواننده را با زمینه‌های زبانی و فرا زبانی تولید اثر آشنا کرده است.

همانطور که ملاحظه می‌شود در تحقیقات یاد شده و نیز سایر پژوهش‌هایی که اغلب در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد برای بکار بستن مدل جولیان هاوس با رویکرد نقش‌گرایی در حوزه عملی ارزیابی ترجمه صورت گرفته، تمرکز بر بررسی نقش ترجمه با عنایت به بررسی پروفایل‌های متن مبدأ و ترجمه آن و یا مطالعه فرانش‌های سه‌گانه هلیدی است، در حالی که در تحقیق پیش‌رو علاوه بر بررسی پروفایل‌ها که نتیجه آن بروز خطاهای پنهان است، نگارندگان برای نخستین بار طبقه‌بندی پنج‌گانه هاوس در واکاوی خطاهای آشکار را نیز به کار گرفته‌اند تا بتوانند با نگاهی جامع‌تر در مورد آشکار یا پنهان بودن ترجمه و چگونگی بازنمایی نقش آن در زبان مقصد تصمیم بگیرند.

۳. چارچوب نظری پژوهش

همانطور که پیشتر اشاره شد، چارچوب نظری پژوهش حاضر الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوس (۱۹۹۷) است. از آنجا که این مدل وام‌دار زبان‌شناسی نقش‌گرا و به ویژه دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی است، در این بخش ابتدا به بررسی اجمالی نظریه هلیدی و تأثیرات آن بر دیدگاه هاوس پرداخته می‌شود. سپس الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوس و نیز مفاهیم کلیدی این الگو، یعنی ترجمه آشکار/ترجمه پنهان و خطای آشکار/خطای پنهان تشریح خواهد شد.

۳-۱. دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی و تأثیر آن بر دیدگاه‌های هاوس

هلیدی دستور خود را دستور نقش‌گرا می‌داند زیرا چارچوب مفهومی آن بر مبنای الویت‌دهی به



نقش است و نه صورت. دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی برای زبان سه سطح در نظر می‌گیرد: سطح معنایی، سطح دستور-واژگان، سطح واج شناسی؛ اما وی معنا را در راس مدل سه سطحی خود قرار می‌دهد. مفهوم معنا در نظریه نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی در سه فرآینش^{۱۲} تجلی می‌یابد: فرآینش اندیشگانی^{۱۳}، فرآینش بینافردی^{۱۴}، و فرآینش متنی^{۱۵}.

اولین نقش زبان نقش اندیشگانی است که برای بیان محتوا به کار می‌آید. به واسطه این نقش است که گوینده یا نویسنده به تجربیاتش از پدیده‌های جهان واقعی تجسم می‌بخشد. در درجه دوم، زبان نقشی دارد که می‌توان آن را بینافردی نامید. در اینجا گوینده از زبان به مثابه ابزاری برای ورود خودش به رویداد گفتاری بهره می‌جوید، برای بیان حرف‌هایش، نگرش‌هایش، و ارزیابی‌هایش، و همچنین بیان رابطه‌ای که او بین خود و شنونده‌اش بنا می‌کند، مانند اطلاع‌رسانی، پرسش، احوال‌پرسی، قانع سازی و مانند آن اما نقش سوم، نقش متنی است که از طریق آن زبان به خلق متن می‌پردازد و بین خود و شرایط رابطه برقرار می‌کند. در این شرایط گفتمان ممکن می‌شود، زیرا گوینده یا نویسنده می‌تواند متن را تولید کند و شنونده یا خواننده می‌تواند آن را تشخیص دهد (سلطانی، ۱۳۸۴، ۶۵، به نقل از فاوئر، ۱۹۹۱، ۶۹).

از طرفی روشن است که هر متن یا گفتمان باید به موقعیت خاصی که آن را در بر گرفته اشاره کند، به همین منظور باید راهی یافت که بتوان مفهوم بافت موقعیتی را به عناصر ملموس و قابل کنترل تقسیم کرد. هلیدی بر پایه مفاهیم مؤثر در تولید متن، رابطه میان متون و بافت موقعیتی آنها را بر سه مولفه استوار می‌داند که عبارتند از: ۱- گستره گفتمان، ۲- عاملان گفتمان، ۳- شیوه گفتمان. این سه جنبه بافت، سیاق کلام را مشخص می‌کنند (هلیدی و حسن، ۱۹۸۹: ۳۸). استفاده از مفهوم نقش در الگوی ارزیابی هاوس حاکی از این واقعیت است که وی وجود عناصری را در متن مفروض می‌دارد که نقش یا کارکرد آن متن را تعیین می‌کنند. نقش متن در نگاه هاوس مشتمل بر مؤلفه‌های اندیشگانی و بینافردی معنی به تعبیر مورد نظر هلیدی است که بر روی هم «کاربرد متن در یک بافت موقعیتی معین» را رقم می‌زنند (هاوس، ۲۰۱۵: ۱۳۶).

بازتاب تفکر نقش‌گرای هلیدی عیناً در الگوی ارزیابی ترجمه هاوس مشاهده می‌شود، به

نحوی که وی ارزیابی ترجمه را در گرو بررسی فرآیند بافت‌آفرینی موازی مترجم در نظام مقصد می‌داند. به این منظور برای ارائه پروفایل‌های متن مبدأ و مقصد (که به تفصیل در ادامه معرفی می‌شود) از مؤلفه‌های نقشی هلیدی استفاده می‌کند:

گستره گفتمان + عاملان گفتمان + شیوه گفتمان = سیاق

وی در ادامه برای تعریف نقش یگانه متن عامل دیگری به نام ژانر را در تحلیل‌های خود وارد می‌کند. هاوز معتقد است اگر سیاق را در کنار ژانر قرار دهیم به نقش یگانه متن خواهیم رسید.

سیاق + ژانر = نقش یگانه متن

به دنبال بررسی تأثیر تفکرات نقش‌گرایی هلیدی بر این الگوی ارزیابی باید به اهمیت بافت موقعیتی نزد هاوز اشاره کرد. هاوز همواره بر این دیدگاه بنیادین در آثارش تأکید داشته است که «متن» و «بافت موقعیتی» از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. وی در کتاب خود درباره موضوع ارزیابی نقش ترجمه به نقل از هلیدی می‌نویسد: «بافتی که متن در آن جاری می‌شود، از طریق روابط نظام‌مند بین محیط اجتماعی و سازمان نقشی زبان در متن تجلی پیدا می‌یابد» (همان). بنابراین، متن را باید با ارجاع به بافت موقعیتی ناظر بر آن تحلیل کرد و این خود مستلزم آن است که بتوان بافت موقعیتی را به مؤلفه‌های قابل‌تحلیل یعنی به ویژگی‌هایی از متن که هاوز تحت عنوان «ابعاد موقعیتی» از آنها نام می‌برد، تجزیه کرد. با عنایت به تفکرات بنیادین در دستور نظام‌مند نقش‌گرایی هلیدی، مدل ارزیابی کیفیت ترجمه هاوز شرح داده می‌شود.

۲-۳. الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوز

جولیان هاوز نخستین بار سال ۱۹۷۷ الگویی برای ارزیابی کیفیت ترجمه ارائه داد. این الگو که «دستاورد اصلی رویکردهای زبان‌شناختی-متنی و کاربردی به ارزیابی ترجمه» (شفنر، ۱۹۹۷: ۴) بود، سال ۱۹۹۷ توسط خود او بازبینی شد. علت اصلی این بازبینی انتقادهایی بود که به نسخه اول این الگو وارد شد. ایراد عمده نسخه اول الگوی هاوز مبهم بودن اصطلاحات وی در تشریح روش‌های ارزیابی و نیز عدم شفافیت مرز میان ترجمه آشکار و پنهان بود. بنا به اظهار نظر خود او، نسخه جدید این الگو «به تحلیل سیاق، تمایز میان ترجمه آشکار و پنهان، صافی فرهنگ و نیز بازبینی کلی مفهوم ارزیابی ترجمه می‌پردازد» (۱۹۹۷: ۱۰۱).



هاوس برای بررسی هر متن ترجمه‌شده سه بُعد قائل می‌شود: بعد معنی‌شناختی، بعد کاربردشناختی و بعد متنی. به اعتقاد هاوس، چالش بزرگ در ترجمه مربوط به بُعد کاربردشناختی فرآیند ترجمه است، یعنی «کاربرد مشخص یک عبارت در موقعیتی معین» (هاوس، ۱۹۷۷: ۱۰۳) که محوریت الگوی ارزیابی وی را تشکیل می‌دهد. بنابراین هر متن در بستر یک موقعیت منحصر به فرد تعریف می‌شود تا نقش معینی را در یک جامعه زبانی ایفا کند. برای خدشه‌دار نشدن این نقش در حین فرآیند ترجمه، مترجم باید به ابعاد موقعیتی^{۱۶} هر متن اشراف داشته باشد. بر پایه همین موضوع، هاوس تحلیل سیاق را در الگوی ارزیابی خود پیشنهاد می‌کند که سه عنصر اساسی را در برمی‌گیرد (هاوس، ۲۰۰۱ b: ۲۴۸-۲۴۷):

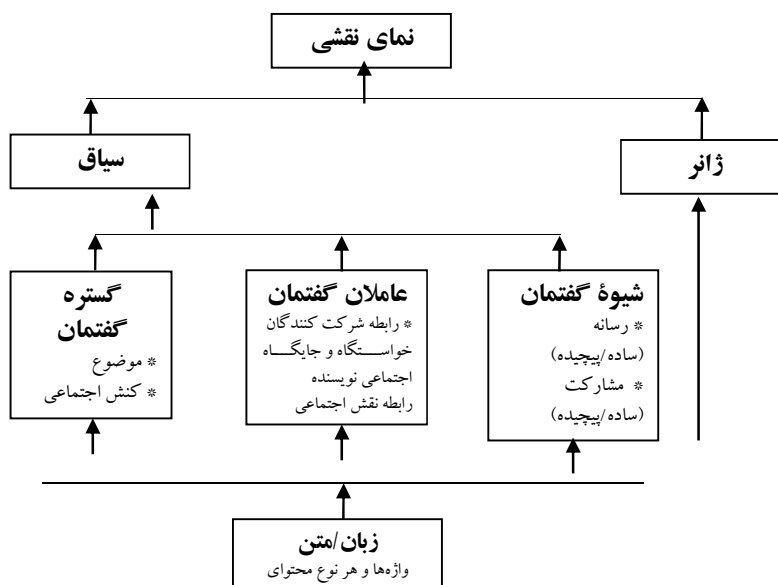
۱- **گستره گفتمان** «فعالیت‌های اجتماعی، موضوع یا عنوان را در برمی‌گیرد و شامل تمایز در درجات مختلف به لحاظ عمومی و اختصاصی بودن عناصر واژگانی تحت عنوان تخصصی، عمومی و عامیانه است» (همان). به این ترتیب عوامل تعیین‌کننده گستره را می‌توان با دو شاخص معرفی نمود: الف- موضوع (رمان، نمایشنامه، شعر، بروشور تبلیغاتی و ...); ب- کنش اجتماعی (تخصصی، عمومی، پرترفدار و ...)

۲- **عاملان گفتمان** به «ماهیت شرکت‌کنندگان، یعنی خطاب‌کنندگان و مخاطبان، و رابطه بین آنها از لحاظ قدرت و فاصله اجتماعی و همین‌طور میزان نیروی عاطفی اشاره دارد» (همان). در توصیف عاملان گفتمان دو نکته حائز اهمیت است: الف- خواستگاه و جایگاه اجتماعی نویسنده یا مترجم؛ ب- رابطه نقش اجتماعی (مقتارن^{۱۷}) به این معنا که متن شامل ویژگی‌هایی است که نشان‌دهنده همبستگی و هم‌ترازی خطاب‌کننده و مخاطب می‌باشد/نامتقارن یعنی متن دارای شاخص‌های قدرت میان یکی از کنش‌گران گفتمان خواه خطاب‌کننده و خواه مخاطب است)

۳- **شیوه گفتمان** «به مجرای اطلاعات-نوشتاری و گفتاری اشاره می‌کند» (همان) که شامل الف- رسانه (ساده اگر به منظور خوانده شدن نوشته شده باشد/پیچیده اگر برای شنیده‌شنیدن نوشته شده باشد); ب- مشارکت (ساده به معنای مونولوگ خالق اثر/پیچیده یعنی مخاطب قرار دادن یک جامعه بزرگ) می‌باشد.

الگوی تحلیلی هاوس به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا نقش متن اصلی را معین کرده و

آن را با پروفایل متن ترجمه شده مقایسه نماید. مطابقت داشتن معادل‌های نقشی در زبان‌های مبدأ و مقصد حاکی از متناسب بودن فرآیند ترجمه و توانایی مترجم است. شکل ۱ طرحواره الگوی ارزیابی هاوس برای تحلیل و مقابله متون مبدأ و مقصد را نشان می‌دهد.



شکل ۱: طرحواره الگوی ارزیابی هاوس برای تحلیل و مقابله متون مبدأ و مقصد (هاوس، ۲۰۰۱ب: ۲۴۹)

۳-۲-۱. ترجمه آشکار- ترجمه پنهان^{۱۸}

هاوس در بررسی کیفیت ترجمه وجه تمایز ترجمه آشکار و ترجمه پنهان را مطرح می‌نماید. وی ترجمه آشکار را ترجمه‌ای می‌داند که در آن مترجم آگاهانه طوری دست به انتخاب معادل‌های زبانی می‌زند که خواننده متن ترجمه به سادگی بیگانه بودن متن و عناصر آن را درک کند. به عبارت دیگر، در ترجمه آشکار مخاطبان متن مقصد به‌طور مستقیم مورد خطاب قرار نمی‌گیرند،



و با یک «متن اصلی ثانویه» (هاوس، ۱۹۹۷: ۶۶) مواجه نیستند چرا که متن شدیداً بر مبنای خواستگاه‌های جامعه زبانی متن اصلی و فرهنگش نگاشته شده است. حال آنکه در ترجمه پنهان، متن ترجمه در چارچوب‌های معمول و رایج زبان و فرهنگ متن مقصد تولید می‌شود. در اینجا مترجم قصد دارد خواننده را با متنی آشنا و عاری از هرگونه ساختارها و مفاهیم بیگانه روبرو کند و در واقع یک ترجمه بومی به مخاطب خود ارائه دهد.

از آنجا که مدل هاوس رویکرد نقش‌بنیاد دارد، بررسی میزان انتقال درست نقش متن یا همان تحقق «معادل نقشی»^{۱۹} در این دو نوع ترجمه به تفصیل بررسی می‌شود. هاوس با اشاره به مدل چهار لایه تحلیلی خود (نقش، ژانر، سیاق، متن/زبان)، تأکید می‌کند که در ترجمه آشکار متن اصلی و ترجمه آن، دارای زبان/متن، سیاق و ژانر معادل هستند. منظور از نقش متنی یا همان معادل نقشی دستیابی به نقش معادل متن اصلی در بستر دنیای گفتمان و فرهنگ زبان مقصد است. به دلیل متفاوت بودن شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی زبان مقصد، «تغییر در دنیای گفتمان و چارچوب امری ضروری است» (هاوس، ۲۰۰۱ b: ۲۵۰). پس از آنجا که ترجمه در چارچوب دیگری قرار می‌گیرد، «در بهترین حالت می‌تواند فقط به معادل نقشی درجه دومی^{۲۰} (ثانویه) دست یابد» (همان).

از سوی دیگر، هاوس در معرفی ترجمه پنهان اذعان می‌دارد که کار مترجم در این نوع ترجمه، بازآفرینی چارچوب‌های ذهنی و فرهنگی متن اصلی است. وی «نقشی را که متن اصلی در چارچوب و دنیای گفتمانی دارد، در متن مقصد بازتولید می‌کند» (همان). هدف مترجم فعال-ساز هم‌زمان چارچوب‌ها در دو فرهنگ نیست؛ او می‌خواهد متن ترجمه به «معادل نقشی واقعی» دست پیدا کند. پس برای نیل به این مقصود، مانند یک «صافی فرهنگی» عمل کرده و با دستکاری چارچوب‌ها، به آنها رنگ و بوی بومی داده و متن را از پیچیدگی و عناصر بیگانه می‌زداید. در اینجا وقتی سطوح زبان/متن و سیاق ترجمه پنهان از صافی فرهنگ مترجم عبور می‌کند، ضرورتاً با همتای اصلی خود معادل نیست، «اما باید در سطح ژانر و نقش متنی معادل متن اصلی باشد» (همان). هاوس برای انتخاب صحیح یکی از دو روش فوق به نقش و کاربرد آن اشاره می‌کند، «ترجمه آشکار برای آن دسته از متونی است که به شدت به فرهنگ مبدأ وابسته‌اند و جایگاه مستقلی در آن دارند؛ در حالیکه ترجمه پنهان مختص متونی است که هیچ

یک از این شرایط را ندارند؛ یعنی زمانی که متن اصلی فرهنگ-محور نباشد» (هاوس، ۱۹۹۸: ۱۹۹). در بررسی دو نوع متفاوت از ترجمه، هاوس دو نوع خطا را نیز معرفی می‌کند: آشکار و پنهان.

۲-۲-۳. خطای آشکار - خطای پنهان

پالامبو (۲۰۰۹) خطاهای ترجمه در الگوی هاوس را چنین باز تعریف می‌کند: «خطای آشکار یا نتیجه ناسازگاری معنای مصداقی^{۲۱} یکی از عناصر متن مبدأ با عنصر هم ارز آن در متن مقصد است یا نتیجه پیروی نکردن از نظام زبان مقصد^{۲۲}». بنابراین، در این رویکرد خطاهای آشکار دو علت اساسی دارند: ۱) عدم مطابقت معنای مصداقی یکی از عناصر متن اصلی با عنصر معادل خود در متن ترجمه؛ ۲) پیروی نکردن از نظام زبان مقصد. جدول ۱ علل بروز خطاهای آشکار در این نگاه را، با ذکر مصادیق عینی در حین عمل ترجمه، طبقه‌بندی می‌کند.

جدول ۱: علل بروز خطای آشکار در ترجمه

حذف	عدم مطابقت معنای مصداقی عناصر در متن اصلی و ترجمه آن	۱
اضافه		
معادل‌گزینی نادرست		
غیر دستوری بودن (انحراف از نظام ساختاری زبان)	پیروی نکردن از نظام زبان مقصد	۲
پذیرفتگی قابل تردید ^{۲۳} (انحراف از قواعد کاربردی)		

از سویی دیگر، پالامبو (همان) در ادامه بیان می‌کند که «خطای پنهان زمانی روی می‌دهد که میان متن مبدأ و مقصد از نظر نقشی سازگاری وجود نداشته باشد». به این ترتیب برای بررسی خطای پنهان صرفاً باید پرفایل‌های متن مبدأ و مقصد را مقایسه کرده و هر گونه عدم مطابقت بین مولفه‌های پروفایل مقصد با همتای خود در متن اصلی را نوعی خطای پنهان انگاشت. در پژوهش حاضر هر دوی این خطاها در پیکره پژوهش به صورت مجزا ارزیابی می‌شوند.



۴- روش پژوهش

اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق بر گرفته از کتاب *فرانی و زویی اثر جی. دی. سلینجر* است که با دو نسخه فارسی موجود آن مقایسه شده است. یکی از برگردان‌های فارسی این کتاب با ترجمه میلاد زکریا نخستین بار توسط نشر «مرکز» سال ۱۳۸۰ انتشار یافت که چاپ هفتم آن (۱۳۸۷) برای مقایسه با متن اصلی انتخاب شده است. دیگر کتابی که برای مقایسه استفاده شده، ترجمه امید نیک فرجام که انتشارات «نیلا» نخستین بار آن را در سال ۱۳۸۱ منتشر کرد و برای این پژوهش، ویراست چهارم کتاب (۱۳۸۷) در نظر گرفته شده است.

در پژوهش حاضر، برای ارزیابی کیفیت ترجمه *رمان فرنی و زویی*، دو نامه از این کتاب انتخاب شده و با برگردان‌های فارسی آن مقایسه خواهد شد. این دو نامه انعکاس کامل نقش اندیشگانی نویسنده رمان است. از طرفی، هر دو نامه پر از اشارات فرهنگی است که در بررسی‌های کاربردشناختی ترجمه و میزان درستی انتخاب معادل نقشی آنها، بر مبنای الگوی هاوس، در ذهن مخاطب زبان مقصد به‌خوبی نمود پیدا می‌کند، و این مهمترین دلیل انتخاب این رمان به‌عنوان پیکره پژوهش حاضر است. به این ترتیب، جملات متن اصلی با معادل‌های فارسی‌شان مقایسه شده و بنا بر چارچوب نظری هاوس، دو نوع خطای آشکار و پنهان و علل بروز آنها مورد مطالعه قرار گرفته است. از آنجا که متن اصلی یک متن ادبی است و هاوس (۱۹۹۷) برای حوزه ادبیات و داستان ترجمه آشکار را پیشنهاد می‌دهد، انتظار می‌رود که با ترجمه‌ای آشکار مواجه باشیم. الگوی ارزیابی هاوس به ترتیب مراحل ذیل در این تحقیق به کار گرفته شده است:

- ۱- تحلیل سیاق متن اصلی به منظور ارائه پروفایل متن مبدأ.
- ۲- بررسی ژانر متن اصلی و مشخص کردن نقش متن اصلی بنابر نقش‌های چارچوب نظریه نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی.
- ۳- انجام امور ذکر شده برای متن ترجمه.
- ۴- مقایسه متن اصلی و ترجمه‌های آن برای یافتن علل عدم تطابق معادل‌های نقشی در دو زبان (بر مبنای ابعاد موقعیتی، تحلیل سیاق و ژانر).
- ۵- یافتن خطاهای پنهان و آشکار بر اساس الگوی هاوس.
- ۶- طبقه‌بندی خطاهای آشکار در پنج گروه و شمارش بسامد آنها در هر ترجمه.

- ۷- مقایسه بسامد خطاها به منظور ارزیابی کلی کیفیت ترجمه.
 ۸- بررسی داده‌ها و عملکرد مترجم‌ها و انتخاب ترجمه مناسب‌تر.

۵- بررسی یافته‌ها

همانطور که قبلاً اشاره شد، مقایسه و بررسی متن مبدأ و دو ترجمه آن از دو دیدگاه قابل بررسی است، اول مقایسه پروفایل‌های متن مبدأ و متن ترجمه برای یافتن خطاهای پنهان و سپس تحلیل بسامد خطاهای آشکار در طبقه‌بندی ارائه شده.

۵-۱ بررسی خطاهای پنهان (مقایسه پروفایل‌های متون مبدأ و مقصد)

در پروفایل مبدأ سه عامل تعیین کننده سیاق (گستره، عاملان و شیوه) با تکیه بر سنجه‌های عینی ارزیابی هاوس به شرح زیر است:

گستره گفتمان: فرنی و زویی دو داستان به هم پیوسته به همین نام‌ها هستند که ابتدا هر یک به صورت مستقل به ترتیب در سالهای ۱۹۵۵ و ۱۹۵۷ توسط نشریه «نیونیورکر»^{۲۴} به چاپ رسید. در سال ۱۹۶۱ انتشارات L & B Books برای نخستین بار این داستان‌ها را در قالب یک کتاب منتشر کرد. متن مبدأ یکی از آثار «پست مدرن» ادبیات معاصر امریکایی است که در میان خوانندگان چندین نسل از آثار محبوب قرن بیستم تلقی می‌شود. مخاطب اثر بزرگسالان هستند. ساختار زبانی اثر را می‌توان به دو بخش عمده تفکیک نمود: نخست بخش روایی داستان، آنجا که سلینجر به عنوان دانای کل افراد خانواده گلاس، به ویژه فرنی و زویی، را به تصویر می‌کشد. دوم، بخش‌های مربوط به گفتگوی میان شخصیت‌هاست که این مورد در داستان «زویی» پررنگ‌تر می‌شود. از آنجا که یکی از موضوع‌های اصلی کتاب پرداختن به فلسفه شرق از جمله زن، بودیسم و هندوئیسم است، شمار قابل توجهی از واژه‌ها و اصطلاحات کتاب به این موارد اشاره دارد. ساختار اثر در بخش گفتگوها شکل محاوره‌ای و ادبیات عامیانه داشته و مملو از اصطلاحات، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌های انگلیسی امریکایی است. در این اثر کمتر از جملات کوتاه و تک فعلی استفاده شده است. هر چند بیشتر جملات مرکب هستند و در موارد متعددی در پایان آنها از افزونه‌های قیدی استفاده شده است، با این حال تجزیه و تحلیل ساختار جملات



دشوار نبوده و جز متون بدخوان محسوب نمی‌شود. سلینجر به دقت از نشانه‌های سجاوندی مانند نقطه، ویرگول، خط تیره، سه نقطه، پرانتز و ... بهره جسته و همین موضوع خوانش متن را ساده‌تر می‌کند.

عامل گفتمان: عامل اثر، جی. دی. سلینجر، یکی از چهره‌های مطرح ادبیات قرن بیستم است. وی با تجربه شرکت در جنگ جهانی دوم، داستان‌هایی می‌آفریند که بدون اشاره مستقیم به جنگ، تلخی‌ها و عواقب دردناک جامعه پس از جنگ را به تصویر می‌کشد. سلینجر در *قرنی و زویی*، تصویر کامل جوان‌های بحران زده و سردرگم جامعه پرهیاهوی امروزی را ارائه می‌دهد. رابطه شرکت‌کنندگان در این گفتمان متقارن است چرا که شاخص‌های تحلیلی قدرت در آن بکار نرفته و میان نویسنده و مخاطب نوعی همبستگی وجود دارد. در این رمان، نویسنده خود را با خوانندگان هم‌تراز کرده و داستان را به شکل یک روایت برای آنها تعریف می‌کند. مخاطب در مواجهه با چارچوب‌های مرسوم فکری جامعه و تصاویر ذهنی فرهنگی به شخصیت‌های داستان نزدیک می‌شود و در مواردی نیز همزیستی اجتماعی را با آنها تجربه می‌کند. هر چند فرزندان خانواده گلاس همگی باهوش، بلندپرواز و پرتکلف هستند، اما توصیف سلینجر از سبک زندگی آنها (محل زندگی، نوع پوشش، نوع فعالیت‌ها و سرگرمی‌هایشان) بارها تأکید بر این موضوع دارد که خانواده گلاس نماینده طبقه متوسط جامعه امریکای مدرن است. به این ترتیب، فاصله اجتماعی چندانی میان نویسنده و مخاطب مشاهده نمی‌شود.

شیوه: از نظر شیوه، رسانه این اثر پیچیده محسوب می‌شود چرا که متن به گونه‌ای نگاشته شده که بیشتر گفتار محور است. استفاده از عبارتهای محاوره‌ای، تعبیرهای خودمانی، عبارتهای تعجب، دشواژه‌های کلامی، کوتاه‌نویسی و ... همگی از نشانه‌های سبک گفتار هستند که در متن سلینجر منعکس می‌شود. مشارکت در این متن پیچیده است چون در هر دو فصل داستان با گفتگوهای طولانی مواجه هستیم که خواننده را به چالش می‌کشد و خواننده در بسیاری موارد در مقام دفاع یا تأیید گفتمان برمی‌آید طوری که گویی خود او یکی از طرفین مکالمه است. شایان ذکر است که ماهیت گفتگو به نوعی جلب مشارکت مخاطب است. پس در اینجا نیز نمی‌توان مشارکت متن را ساده قلمداد نمود.

با بررسی موارد قید شده می‌توان سیاق متن مبدأ را معرفی نمود. از طرفی، همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، ژانر متن در حوزه ادبیات داستانی قرار می‌گیرد و نقش متن نیز عمدتاً

در گروه نقش اندیشگانی تعریف می‌شود. به این ترتیب شرح پروفایل متن مبدأ انجام می‌گیرد. بررسی و ارزیابی دو ترجمه این رمان تقریباً حاکی از همخوانی مولفه‌های پروفایل‌های متن مبدأ و مقصد است، غیر از یک مورد که مربوط به خواستگاه و موقعیت پدیدآورنده (عاملان) اثر می‌باشد. روشن است که سلینجر در مقام مولف یک اثر ادبی نمی‌تواند خواستگاه و موقعیت اجتماعی مشابهی با مترجمان اثر خود در جامعه مقصد داشته باشد. غیر از مورد یاد شده، بررسی متون، حاکی از آن است که هر دو مترجم موفق شده‌اند تا حد قابل توجهی سیاق و ژانر پیکره متن مبدأ را حفظ کرده و به متن مقصد انتقال دهند.

جدول ۲ خلاصه بررسی‌های فوق را نمایش می‌دهد:

جدول ۲. بررسی مقایسه‌ای پروفایل‌های متن مبدأ و متن ترجمه

پروفایل متن ترجمه		پروفایل متن مبدأ	
موضوع: رمان	گستره	موضوع: رمان	گستره
کنش اجتماعی: عمومی و پرترفدار		کنش اجتماعی: عمومی و پرترفدار	
خواستگاه و موقعیت مترجم: *	عاملان	خواستگاه و موقعیت نویسنده: رمان *	عاملان
مترجم		رابطه شرکت کنندگان: متقارن	
رابطه شرکت کنندگان: متقارن		رابطه نقش اجتماعی: غیر رسمی	
رابطه نقش اجتماعی: غیر رسمی		رابطه نقش اجتماعی: غیر رسمی	
رسانه: پیچیده	شیوه	رسانه: پیچیده	شیوه
مشارکت: پیچیده		مشارکت: پیچیده	
ادبیات داستانی	ژانر	ادبیات داستانی	ژانر
اندیشگانی	نقش	اندیشگانی	نقش

۵-۲ بررسی خطاهای آشکار

همانطور که اشاره شد، هاوس بروز خطای آشکار را نتیجه دو رویکرد نادرست مترجم می‌داند: یکی بی توجهی به متن مبدأ که ممکن است به شکل حذف، اضافه یا انتخاب معادل نادرست (تغییر جزئی یا کلی معنی) بروز پیدا کند، و دیگری غفلت مترجم از هنجارهای دستوری و کاربردی زبان مقصد است که به صورت ترجمه غیر دستوری یا ناکارآمد نمایان می‌شود. بنابراین این خطاها را می‌توان در پنج گروه مجزا بررسی نمود. به منظور عینی شدن و درک



بهتر این موضوع، برای هر یک از خطاها نمونه‌هایی از ترجمه‌های مورد مطالعه ارائه می‌شود. روشن است که خطاهای مذکور اغلب فقط در یکی از ترجمه‌ها مشاهده می‌شود، اما برای روشن شدن موضوع و امکان مقایسه بهتر برای ارزیابی کیفیت ترجمه، انتخاب هر دو مترجم ارائه شده و تنها زیر ترجمه‌ای که خطای مذکور در آن مشاهده می‌شود خط کشیده شده است. برای ترجمه‌های ارائه شده در ذیل، نام دو مترجم به اختصار آورده شده است، به این ترتیب در ادامه متن میلاد نکریا با «م. ز.» و امید نیکفرجام با «ا. ن.» جایگزین می‌شود.

۱- حذف: این گروه مربوط به کلمات، اصطلاحات، و یا عباراتی هستند که ترجمه نشده‌اند، خواه در اثر بی‌توجهی مترجم، خواه به علت ترجمه‌ناپذیری یا نداشتن معادل در زبان مقصد. در مواردی هم ممکن است مترجم‌ها در برخورد با دش‌واژه‌ها از این راهکار استفاده کنند.

➤ I sound so unintelligent and dimwitted when I write to you (Franny, p. 5).

الف) وقتی برای تو می‌نویسم خیلی کودن و احمق می‌شوم. (م. ز.، ص. ۵)

ب) به نظرم نامه‌هایم خیلی احمقانه و آبیکی است. (ا. ن.، ص. ۱۱)

۲- اضافه: در این نوع از خطاها مترجم آزادانه واژه‌ها یا عباراتی در ترجمه استفاده می‌کند که همتای آنها در متن اصلی وجود ندارد. دلیل بسط دادن متن ترجمه از سوی مترجم ممکن است به منظور ساده‌سازی متن، شفاف‌سازی عبارات ناآشنای مقید به فرهنگ، و یا عدم توانایی مترجم در ارائه مختصرترین معادل موجود باشد.

➤ Anyway I love you and want to get this off *special delivery* so you can get it in plenty of time... (Franny, p. 5)

الف) به هر حال دوستت دارم و این را با پست سفارشی برایت می‌فرستم تا خیلی برای خواندنش وقت داشته باشی. (م. ز.، ص. ۴)

ب) به هر حال دوستت دارم و می‌خواهم این نامه زود به دستت برسد تا وقت داشته باشی آن را بخوانی. (ا. ن.، ص. ۱۰)

همانطور که ملاحظه می‌شود در ترجمه دوم به جای «پست سفارشی» از عبارت توضیحی «می‌خواهم این نامه زود به دستت برسد» استفاده شده که شرح اضافی بر متن اصلی است.

۳- معادل‌گزینی نادرست: نادرستی معادل‌ها در ترجمه امری نسبی است، گاهی انتخاب نامناسب یک معادل به طور کلی مفهوم اولیه یک واژه یا عبارت را از بین می‌برد و مخاطبان

ترجمه را دچار اشتباه و سوتفاهم می‌کند. گاهی نیز انتقال موضوع به صورت ناقص انجام می‌گیرد و پیام نویسنده به طور صحیح وارد زبان مقصد نمی‌شود. به عبارت دیگر، برداشت خوانندگان متن مقصد زیر مجموعه‌ای از برداشت خوانندگان متن اصلی است.

➤ When I got off the plane a few minutes later and the *Bereaved Widow* came toward me *all in Bergdorf Goodman black, I had the Wrong Expression on my face* (Zooney, p.62)

الف) وقتی چند دقیقه بعد از هواپیما پیاده شدم و بیوه عزادار که از سر تا پا سیاه پوشیده بود به طرفم آمد، حالت صورتم نامناسب بود. (م. ز، ص. ۵۸)

ب) چند دقیقه بعد که از هواپیما پیاده شدم و آن "بیوه‌ی داغدار" با لباس برگدورف گودمن سراپا سیاهش به سراغم آمد "حالتی عوضی" به چهره داشتم. (ام. ن، ص. ۵۴)

۴- غیر دستوری بودن: این مجموعه از خطاها زمانی بروز پیدا می‌کند که مترجم از نظام دستوری و هنجارهای ساختاری زبان مقصد پیروی نکرده و از قواعد دستوری زبان ترجمه تخطی می‌کند.

➤ I have no idea if you will be able to decipher this as the noise in the dorm is *absolutely incredible* tonight (Franny, p.4)

الف) نمی‌دانم می‌توانی از این سر در بیاوری یا نه، چون امشب سر و صدای خوابگاه مطلقاً باورنکردنی است و من به سختی می‌توانم صدای فکر کردن خودم را بشنوم (م. ز، ص. ۵۴)

ب) امشب در خوابگاه آن قدر سر و صداست که به زور می‌توانم حواسم را جمع کنم و نمی‌دانم از این نامه سر در می‌آوری یا نه. (ا. ن، ص. ۱۰)

روشن است که در دستور زبان فارسی عبارتی نظیر «مطلقاً باورنکردنی» خوش ساخت نبوده و از نظر ساختارهای نحوی بومی زبان فارسی پذیرفته نیستند.

۵- پذیرفتگی قابل تردید: این مورد شاید مهم‌ترین نوع خطا در رویکرد نقش‌گرا به ترجمه داشته باشد. چنانچه مترجم به بعد کاربردشناختی زبان تسلط کافی نداشته باشد و نتواند مناسب‌ترین معادل نقشی را برای مخاطبان زبان مقصد برگزیند، حاصل کار عبارتی است که برای خوانندگان ترجمه نامأنوس و غیرکاربردی می‌نماید.

➤ Will you be content with that *standard box-office schmalz*? (Zooney, p.61)

الف) آیا با آن احساساتی بازی استاندارد گیشه‌ای راحت خواهی بود؟ (م. ز، ص. ۵۶)

ب) این سانتی‌مانتالیسم آبیکی و پرفروش هالیوودی ارضایت می‌کند. (ا. ن، ص. ۵۳)

در اینجا نمونه‌ای از عناصر فرهنگ-محور و ترجمه‌های فارسی آن ارائه شده‌است تا شاهدهی بر اهمیت و نقش «صافی فرهنگی» باشند. همانطور که ملاحظه می‌شود هر دو عبارت مشخص شده از عناصر فرهنگی غایب در ذهن مخاطب فارسی زبان هستند که متأسفانه معادل‌های فارسی آنها نیز برای مخاطب متن مقصد همچنان بیگانه و غیرکاربردی است. در بررسی مقابله‌ای بخش‌هایی از داستان و ترجمه‌های آن، خطاهای مترجم‌ها در هر دو نسخه فارسی استخراج شده و در طبقه بندی پنج‌گانه پیشنهادی تفکیک شد. در جدول‌های ۳ و ۴ بسامد خطاهای آشکار در دو ترجمه به صورت مجزا قابل مشاهده است.

جدول ۳. بسامد خطاهای آشکار در ترجمه الف) میلاد زکریا- نشر مرکز

جمع	پذیرفتگی قابل تردید	غیر دستوری بودن	معادل‌گزینی نادرست	اضافه	حذف	
۱۲	۱	۳	۵	۲	۱	فرنی
۳۴	۵	۷	۱۶	۳	۳	زویی
۴۶	۶	۱۰	۲۱	۵	۴	مجموع

جدول ۴. بسامد خطاهای آشکار در ترجمه ب) امید نیک فرجام- نشر نیلا

جمع	پذیرفتگی قابل تردید	غیر دستوری بودن	معادل‌گزینی نادرست	اضافه	حذف	
۱۸	-	-	۱۱	۴	۳	فرنی
۵۵	۲	۱	۲۴	۱۷	۱۱	زویی
۷۳	۲	۱	۳۵	۲۱	۱۴	مجموع

با ملاحظه جدول ۵ می‌توان بسامد بروز خطاهای آشکار و روند سوگیری مترجمان را مستقیماً ملاحظه نمود. تحلیل خطاهای آشکار حاکی از آن است که در هر دو ترجمه خطاهای ناشی از نادیده گرفتن زبان مبدأ (حذف، اضافه و معادل‌گزینی نادرست/تغییر) غالب است. به این معنا که رویکرد عمده هر دو مترجم نزدیک کردن متن مبدأ به خواستگاه‌ها و چارچوب

ذهنی مخاطب ترجمه است. اما در مقایسه کمی داده‌ها مشاهده می‌شود که تعداد خطاها در ترجمه نیک فرجام بیشتر بوده و از حیث فراوانی بروز خطاها ترجمه زکریا گزینه بهتری است. نکته قابل توجهی که در ترجمه «الف» وجود دارد، تلاش مترجم برای اجتناب از بومی‌سازی مفرط و ارائه یک ترجمه آشکار است تا جایی که این رویکرد او منجر به بروز اصطلاحات و ساختارهای ناآشنا و کم‌تر پذیرفته نزد مخاطبان ترجمه می‌شود؛ به همین علت در اثر او شمار خطاهای گروه چهارم و پنجم (که ریشه در نادیده گرفتن قواعد دستوری و کاربردی زبان مقصد دارد) به شکل قابل ملاحظه‌ای از ترجمه «ب» بیشتر می‌شود. نتیجه‌ای که از تحلیل بسامد خطاها در دو جدول بالا به دست می‌آید این است که بیشترین تلاش مترجم در خصوص حفظ نقش یگانه متن اصلی، و اجتناب از بومی‌سازی مفرط برگردان فارسی، در مواردی به ترجمه‌ای سخت‌خوان منجر شده است؛ به طوری که گاهی مخاطب را با معادل‌هایی مواجه می‌سازد که بر اساس نظام زبان فارسی نادرست و غیر کاربردی هستند. از سوی دیگر، آنجا که مترجم برای رضایت بیشتر مخاطب خود دست به انتخاب‌های آشنا با زبان و فرهنگ مقصد می‌زند، مجبور می‌شود از تعدادی از اصطلاحات و واژه‌های فرهنگ-محور با اغماض عبور کرده و یا معادل‌هایی برگزیند که نقش‌شان در نظام‌های دو زبان متفاوت هستند و در عمل در ارزیابی ترجمه «معادل نقشی» محسوب نمی‌شوند.

جدول ۵. مقایسه بسامد خطاهای آشکار در ترجمه‌های الف و ب

ترجمه الف) میلاد زکریا- نشر مرکز/ترجمه ب) امید نیک فرجام- نشر نیلا

جمع	پذیرفتگی قابل تردید	غیر دستوری بودن	معادل‌گزینی نادرست	اضافه	حذف	
۴۶	۶	۱۰	۲۱	۵	۴	ترجمه الف
۷۳	۲	۱	۳۵	۲۱	۱۴	ترجمه ب

۶- نتیجه‌گیری

ارزیابی کیفیت ترجمه یکی از مسائل مهم در حوزه مطالعات ترجمه است. در تحقیق حاضر با بکارگیری الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوس (۱۹۹۷) مبتنی بر نظریه نظام‌مند نقش‌گرای



هلیدی ترجمه‌های فارسی رمان فرنی و زویی، اثر جی. دی. سلینجر، مورد ارزیابی قرار گرفت. مدل مذکور دو نوع ترجمه آشکار و پنهان را معرفی می‌کند. حاصل ترجمه آشکار متنی با عناصر بیگانه و ناآشنای فرهنگی است و رد پای مترجم در اثر کاملاً مشهود است. هاوس (۱۹۹۷) این نوع ترجمه را برای متون فرهنگ-محور و به ویژه متون ادبی پیشنهاد می‌کند. از سوی دیگر ترجمه پنهان سعی دارد متن مقصد را به خواستگاه‌ها و انتظارات زبانی و فرهنگی مخاطبان ترجمه نزدیک کند و اثری آشنا به فرهنگ مقصد ارائه دهد. مسئله اصلی تحقیق حاضر واکاوی شیوه بازنمایی نقش متن اصلی در زبان مقصد در فرآیند ترجمه ادبی بود و نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش بودند که ترجمه‌های فارسی متون ادبی تا چه حد آشکار هستند. با توجه به اینکه در مقاله حاضر بیشتر از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است، ارائه یک نتیجه مطلق که صرفاً برپایه تجزیه و تحلیل داده‌های عددی باشد، چندان منطقی نیست. اما از آنجا که محوریت این الگو تأکید بر ضرورت تحلیل رابطه تعادلی، تبیین روابط متقابل مؤلفه-های متنی با مؤلفه‌های بافت موقعیتی (رابطه متن با سیاق سخن) می‌باشد، موارد فوق برای متن اصلی و برگردان فارسی به صورت موازی با جزئیات کامل مورد مطالعه قرار گرفت. در بخش تحلیلی این تحقیق، پروفایل‌های متن مبدأ و مقصد استخراج و مقایسه شده است. این مقایسه نشان می‌دهد که در هر دو ترجمه، سیاق، ژانر ترجمه و نقش زبانی اثر، به خوبی حفظ شده است. همانطور که طبق فرضیه پژوهش انتظار می‌رفت، شیوه مواجهه مترجم‌ها با متون ادبی یکسان نبود و حاصل کار این دو مترجم در ترجمه عناصر فرهنگ-محور در پیوستاری از مفهوم ترجمه آشکار قرار می‌گرفت. به لحاظ آماری، در بررسی بسامد خطاهای آشکار ترجمه، که برای نخستین بار در حوزه پژوهش‌های ارزیابی ترجمه در این مقاله مطرح شد، مشخص شد که ترجمه میلاد زکریا در مقایسه با ترجمه امید نیکفرجام آشکارتر است و گزینه مناسب‌تری برای تعامل فرهنگی به شمار می‌رود چرا که با شمار خطاهای کمتر در حفظ نقش رمان سلینجر و انتقال آن به زبان فارسی موفق‌تر عمل کرده است.

به طور کلی، آنچه از الگوی هاوس در الگوی پیشنهادی این تحقیق باقی مانده است، «تأکید بر ضرورت تحلیل رابطه تعادلی»، «تبیین روابط متقابل مؤلفه‌های متنی با مؤلفه‌های بافت موقعیتی»، «تبیین ارتباط میان لایه‌های سه‌گانه نظام معنایی زبان با مؤلفه‌های متنی و مؤلفه‌های سه‌گانه متناظر آنها در سیاق سخن»، «ملاحظه بافت فرهنگی و به تبع آن، قائل شدن به عملکرد

صافی فرهنگی» و «ملاحظه اهمیت گونه‌های متنی و گفتمانی» است.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. H. Vermeer
2. Skopos Theory
3. C. Schäffner
4. Systemic-Functional Theory (SFT)
5. M. Halliday
6. Translation Quality Assessment (TQA)
7. register
8. field
9. tenor
10. mode
11. genre
12. metafunction
13. ideational
14. interpersonal
15. textual
16. situational dimensions
17. symmetrical
18. Overt/Covert Translation
19. functional equivalence
20. second-level functional equivalence
21. denotative meaning
22. breach of the target language system
23. dubious translatability
24. *The New Yorker*

۸. منابع

- امامی، محمد (۱۳۸۵). بررسی امکان ارزیابی متون ترجمه شده بر پایه یک نظریه تحلیل گفتمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده زبان‌شناسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پالامبو، گیزیه. (۲۰۰۹). *اصطلاحات کلیدی در مطالعات ترجمه*. ترجمه فرزانه فرحزاد و عبدالله کریمزاده. ۱۳۹۱. تهران: قطره.



- خان‌جان، علیرضا (۱۳۷۹). *مقایسه متنی پیرمرد و دریا اثر ارنست همینگوی با ترجمه فارسی نجف دریابندری: رهیافتی در تحلیل کلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- رایس، کاترینا. هاوس، جولیان. شفنز، کریستینا. (۲۰۰۴) *نقد ترجمه در پرتو رویکرد زبان‌شناسی نقشگرا*. ترجمه گلرخ سعیدینیا. ۱۳۹۲. تهران: قطره.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان*. تهران: نشرنی.
- سلینجر، جروم دیوید. (۱۹۶۱). *فرانی و زویی*. ترجمه میلاد زکریا. ۱۳۸۰. تهران: نشر مرکز.
- سلینجر، جروم دیوید. (۱۹۶۱). *فرنی و زویی*. ترجمه امید نیکفرجام. ۱۳۸۱. تهران: انتشارات نیلا.
- متقی‌زاده، عیسی و نقی‌زاده، سیدعلا. (۱۳۹۵). «تأثیر مسائلایدئولوژیک در کیفیت ترجمه اخبار عربی: بررسی موردی ترجمه خبر شبکه الجزیره در خبرگزاری فارس بر ساس الگوی جولیان هاوس». *جستارهای زبانی*. انتشار آنلاین از تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۹۵.
- Halliday, M. A. K. Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Halliday, M.A.K. (1994). *An introduction to functional grammar* (2nd ed.). New York: Edward Arnold.
- Halliday, M.A.K. (2001). Towards a theory of good translation. In E. Steiner & C. Yallop (Eds.), *Exploring translation and multi-lingual text production: Beyond context* (pp. 13-18). Berlin: Mouton De Gruyer.
- House, J. (1997) *Translation Quality Assessment: A model revisited*. Tübingen: Gunter Narr.
- House, J. (1998). "Quality of Translation", in Routledge Encyclopedia of Translation Studies edited by Mona Baker. London: Routledge. 197-200.
- House, J. (2001a). How do we know when a translation is good? In E. Steiner & C. Yallop (Eds.), *Exploring translation and multi-lingual text production: Beyond content* (pp. 127-160). Berlin: Mouton De Gruyter.

- House, J. (2001b). Translation quality assessment: Linguistic description versus social evaluation. *Meta*, 46(2), 243-257.
- House, J. (2005). *Text and Context in Translation*. University of Hamburg, Linguistic and Applied Linguistics.
- House, J. (2009). *Translation*. London: Oxford University Press.
- House, J. (2014). "Translation quality assessment: Past and present", in J House (ed.), *Translation: a multidisciplinary approach*, Palgrave Macmillan, Basingstoke, pp. 241-264.
- Salinger, J. D. (1961). *Franny and Zooey*. Boston: Little, Brown and Company.
- Schäffner, C. (1997) ' From "Good" to "Functionally Appropriate": Assessing Translation Quality'. *Current Issues in Language and Society*, v4 n1 p1-5